



شورای راهبردی
رواد تاریخی

تحلیلی بر سفر اردوغان به عراق

آنکارا تحت تاثیر فشار غرب و آمریکا، که بعد از جنگ اوکراین تشدید شده، تلاش دارد سیاست تنش صفر با همسایگان از جمله عراق را پیش ببرد. ترکیه در سال‌های اخیر به‌ویژه بعد از جنگ اوکراین با فشار مضاعف از سوی غرب برای همراهی بیشتر با کشورهای غربی و فاصله گرفتن از روسیه مواجه شده. قبل از آن هم در مدیترانه، چالش‌های جدی با کشورهای غربی و به‌طور مشخص اروپایی‌ها داشت، تا جایی که فرانسه چند میلیارد دلار تجهیزات نظامی به یونان داد تا از خود در برابر ترکیه محافظت کند. همچنین آلمان به ترکیه فشار می‌آورد تا برنامه حفاری خود در قبرس را متوقف کند. در عین حال، این شرایط بعد از جنگ اوکراین سخت‌تر هم شد. رشد اقتصادی ترکیه بعد از سال ۲۰۰۲ تا حد زیادی مدیون شکوفایی اقتصادی چین در آن دوران بود. ترکیه به‌خوبی از این فرصت استفاده کرد و توانست به لحاظ اقتصادی رشد قابل توجهی داشته باشد، اما با تشدید فشارها به چین این روند دیگر برای ترکیه مثبت نیست. این رو، شرایط فعلی نظام بین‌الملل بر خلاف یک دهه قبل، برای ترکیه، شرایط چندان مطلوبی نیست، همچنان که تشدید رقابت لیبرال دموکراسی‌های تروتمند با چین و روسیه موجب شده است تا سیاست استقلال راهبردی اردوغان تضعیف شود. سیاست پایدار ترکیه این بوده که در مناطق پیرامونی خود تبدیل به یک شریک اقتصادی و قدرت منطقه‌ای، فنی و تکنولوژیک شود، در همین راستا نیز تلاش کرد روابط خود را با جمهوری آذربایجان بهتر نماید، در آسیای مرکزی با قزاقستان به سمت تقویت روابط حرکت کند، سازمان کشورهای ترک‌زبان را تقویت نماید و در خاورمیانه نیز به سمت سیاست تنش صفر با همسایگان نزدیک شد، همچنان که شاهد بودیم سطح تنش با مصر، عربستان، امارات، قطر و تا حدی رژیم اسرائیل را کاهش داد. عراق در خصوص توزیع آب و سدهایی که ترکیه در بالادست دجله و فرات تأسیس کرده و تاثیر مخربی که بر محیط زیست این کشور دارد و همچنین فعالیت‌های پ.ک.ک در سوریه و در مرز با ترکیه با مشکلاتی مواجه است. ترکیه به‌پناه مبارزه با تروریسم سعی کرده از قدرت گرفتن پ.ک.ک در داخل خاک عراق جلوگیری کند. ترکیه در این مناطق چند پایگاه نظامی ایجاد کرده و مدام در مرز خود با عراق و سوریه درگیری نظامی دارد که بخشی از این‌ها مطلوب دولت مرکزی عراق نیست. تصمیم آمریکا، اروپا و هند در گروه ۲۰ درباره احداث کریدور «هند-خاورمیانه-اروپا» شوک بزرگی به ترکیه وارد کرد. این تصمیم این پیام را داشت که اگر آنکارا در مدار امنیتی غرب نباشد، کریدورهای مهم از جغرافیای ترکیه عبور نخواهند کرد. برخی تحلیل‌گران مسائل راهبردی در ترکیه معتقدند این کریدور احتمالاً یکی از مهم‌ترین کریدورها در قرن ۲۱ است که با تضعیف زنجیره انتقال کالا از چین، هند، امارات و عربستان و از آنجا به اروپا و سرزمین‌های اشغالی متصل می‌کند. کنار گذاشتن ترکیه از این کریدور تاثیر زیادی بر افکار عمومی ترکیه و حزب عدالت و توسعه داشته است. بنابراین تحت تاثیر این شرایط جدید و سیاست منطقه‌ای ترکیه برای کاهش تنش با همسایگان، باید سفر اخیر اردوغان به عراق را مورد توجه قرار داد. عراق و ترکیه به همراه امارات و قطر توافق کردند جاده‌ای موسوم به «جاده توسعه» را از بصره تا مرز میان ترکیه و عراق، احداث کنند. این جاده در انتقال کالا از خلیج فارس به ترکیه و از آنجا به اروپا بسیار مهم است. در شرایطی که شاهد بحران در غزه هستیم و همچنان چشم‌اندازی برای حل‌وفصل آن وجود ندارد، طبیعی است انتقال کالا از عراق به ترکیه و از آنجا به اروپا مطمئن‌تر و ارزان‌تر است، اما احداث آن بدون چالش هم نیست. مهم‌ترین چالش در این پروژه حضور پ.ک.ک در بخش‌هایی از اقلیم کردستان است که تحت نفوذ گروه طالبانی است. اگر این مشکل حل شود ترکیه می‌تواند به احداث این جاده امیدوار باشد. علاوه بر این، ترکیه برای تضمین ساخت این جاده، بخشی از اختلافات خود را با دولت مرکزی بغداد کنار گذاشته و از حل اختلافات میان دولت مرکزی بغداد و اقلیم حمایت می‌کند. عراق با اقلیم کردستان بر سر صادرات مستقل نفت و نحوه خرج کردن درآمد حاصل از آن اختلاف دارد، ضمن آنکه ترکیه در دوره‌هایی نفت اقلیم را به قیمت پایین‌تری می‌خرد که مطلوب دولت بغداد نبود. اما به نظر می‌آید اردوغان تلاش دارد تعاملات سیاسی و اقتصادی بهتری با دولت مرکزی عراق برقرار کند. در عین حال سفر اردوغان به اربیل به همراه کابینه خود برای خانواده باززانی حائز اهمیت بود. این سفر می‌تواند به معنای کاهش تنش‌های قومی بین کردها و ترک‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری در اقلیم باشد.



هلال خشان

استاد دانشگاه آمریکایی بیروت

زوی ژابوتینسکی به‌عنوان یکی از بنیانگذاران صندوق ملی یهودی و لژیون یهودیان که در جنگ جهانی اول در ارتش بریتانیا خدمت کرد، شخصیتی بسیار تاثیرگذار در تاریخ اسرائیل بوده است. ژابوتینسکی، نقش بسیار مؤثر و حیاتی در متقاعد کردن دولت انگلیس در صدور بیانیه بالفور داشت. طبق این بیانیه ایجاد یک سرزمین برای یهودیان در فلسطین مورد پذیرش انگلیس قرار گرفت. ژابوتینسکی امیدوار بود این سرزمین متعلق به یهودیان شامل هر دو ساحل رود اردن باشد. ژابوتینسکی تاثیر بسیار مهم دیگری نیز داشت و آن تدوین سیاست و دکترین امنیتی اسرائیل بود که از آن با عنوان دیوار آهنین یاد می‌شود. ژابوتینسکی اساساً معتقد بود که فلسطینی‌ها با تأسیس یک کشور یهودی در سرزمین‌های تاریخی فلسطین موافقت نخواهند کرد و تأسیس یک کشور یهودی تنها زمانی حاصل خواهد شد که جنبش صهیونیسم بتواند با یک قدرت جهانی متحد شده و از حمایت و پشتیبانی آن قدرت جهانی برخوردار شود.

پس از حمله هفتم اکتبر حماس به اسرائیل، برخی از تحلیلگران عرب فروریختن نظر به ژابوتینسکی به میان می‌آورد اما این تحلیل تا چه اندازه می‌تواند درست باشد؟ این دسته از تحلیلگران عربی معتقدند که حمله حماس به اسرائیل در هفت اکتبر نشان دهنده فروپاشیدن نظریه دیوار آهنینی که غزه را از اسرائیل جدا می‌کند، است. آنها حتی این ماجرا را با وقایع جنگ جهانی دوم و خط مقدم مائینوی فرانسه تشبیه می‌کنند و این بحث را مطرح می‌کنند که حتی این خط نیز نتوانست آلمان را از اشغال کردن فرانسه در جنگ جهانی دوم بازدارد. اما برای سنجش صحت و سقم این ادعا و تحلیل ابتدا باید دید که نظریه دیوار آهنین ژابوتینسکی دقیقاً چه بود؟

ژابوتینسکی اولین رهبر صهیونیست‌ها بود که اعتراف کرد فلسطینی‌ها مردمی هستند که حاضر نخواهند شد به صورت خودخواسته از حق تعیین سرنوشت خود دست بکشند. او معتقد بود که اعراب فلسطین حاضر نخواهند شد در ازای دریافت برخی مشوق‌های اقتصادی، به یهودیان اجازه دهند در سرزمین‌هایشان یک کشور تأسیس کرده و به‌تدریج اکثریت جمعیت را در آن منطقه تشکیل دهند. از نظر ژابوتینسکی، ایده پذیرش صهیونیسم از طرف اعراب و اسکان یهودیان در سرزمین فلسطین، بدون اینکه مشکلی ایجاد شود، یک توهم بود. ژابوتینسکی به صراحت عنوان می‌کرد که به‌رغم وعده‌های داده‌شده به فلسطینیان مبنی بر اینکه با آنها محترمانه رفتار خواهد شد، باز هم آنها امید خود را برای خلاص شدن از شر یهودیان از دست نخواهند داد. چراکه هیچ انسان زنده‌ای قادر نخواهد بود بر سر چنین موضوع مهمی معامله کرده و امتیازی چنین مهم در اختیار یهودیان قرار دهد. از این جهت بود که ژابوتینسکی به این نتیجه رسید باز کردن درهای گفت‌وگو با فلسطینیان به امید قانع کردن آنها، آن‌هم در مراحل اولیه اجرای پروژه صهیونیسم در سرزمین‌های فلسطینی، راه به جایی نخواهد برد.

از این جهت ژابوتینسکی پیشنهاد کرد پروژه صهیونیسم باید امنیت داشته باشد و این پروژه پشت دیوار آهنین اجرا شود تا اعراب فلسطین نتوانند آنها را تخریب کرده و با مانع پیشرفت آن شوند. البته وقتی زمان گذشت، ژابوتینسکی با ایده گفت‌وگو با فلسطینی‌ها مخالفت نکرد و بلکه برعکس، به این اعتقاد رسید که فلسطینی‌ها در نهایت به ضعف خود اذعان خواهند کرد و در صورتی که این اتفاق رخ دهد، آن‌وقت زمان آغاز مذاکرات در مورد وضعیت و حقوق ملی فلسطینی‌ها فرا خواهد رسید.

در سال ۱۹۴۸ پس از آنکه اسرائیل تأسیس شد و حزب کارگر در اسرائیل به قدرت رسید، حزب اپوزیسیون هروت که بعدها با عنوان لیکود مشهور شد، خود را وارث دکترین دیوار آهنین ژابوتینسکی معرفی کرد. در سال ۱۹۷۷، مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل شد و یک سال بعد پس از مذاکراتی که با مصر داشت در نهایت با انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، توافقنامه کمپ دیوید را امضا کرد. در این توافقنامه هیچ اشاره‌ای به دولت فلسطینی نشده بود. بگین به دیدگاه‌های ژابوتینسکی مبنی بر اینکه فقط یک کشور یهودی می‌تواند در فلسطین تاریخی وجود داشته باشد، معتقد بود. بنیامین نتانیاهو که در سال ۱۹۹۳ رئیس حزب لیکود شد نیز به این آموزه اعتقاد داشته و هنوز هم اعتقاد دارد.

کابینه‌های مختلفی که یکی پس از دیگری در اسرائیل به قدرت رسیدند، همچنان آموزه‌های ژابوتینسکی را دنبال کردند. هرچند در ظاهر اینطور نشان می‌دادند که آماده تشکیل کشور فلسطینی هستند. در سال ۱۹۶۷ پس از اینکه اسرائیل کرانه باختری را به تصرف خود آورد، بلافاصله سیاست شهرک‌سازی در این منطقه را تدوین و کار را آغاز کرد. در سال ۱۹۸۲، ارتش اسرائیل طرح جدیدی در کرانه باختری به اجرا گذاشت. اسرائیل با ایجاد شبکه‌ای از جاده‌ها و راه‌ها سعی کرد کرانه باختری را به بخش‌های مختلف تقسیم کند و هدف از اجرای این طرح این بود که کنترل امنیتی بهتری در تمام جمعیت فلسطینی ساکن در این کرانه باختری داشته باشد. در این میان، در بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، سیاست مذاکره با فلسطینی‌ها در دوران اسحاق رابین و شیمون پرز و حتی پس

از آن پیگیری شد اما اسرائیل به‌طور موازی، گسترش شهرک‌ها در کرانه باختری را نیز همچنان دنبال می‌کرد.

کابینه‌های متوالی در اسرائیل یکی پس از دیگری بر سر کار آمدند و هزاران واحد مسکونی در کرانه باختری ساختند. استدلال آنها نیز این بود که جمعیت شهرک‌نشینان زیاد می‌شود و بنابراین نیاز واحدهای مسکونی بیشتر احساس می‌شود. جمعیت شهرک‌نشینان در کرانه باختری بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ دو برابر شد. در توافق اسلو هیچ اشاره مستقیمی به حق فلسطینی‌ها برای داشتن یک کشور نشده بود. این توافق را اسحاق رابین امضا کرده بود و مدام

ژابوتینسکی پیشنهاد کرد پروژه صهیونیسم باید امنیت داشته باشد و این پروژه پشت دیوار آهنین اجرا شود تا اعراب فلسطین نتوانند آنها را تخریب کرده و یا مانع پیشرفت آن شوند

شکاف در دکترین

اسرائیل همچنان به دنبال ترمیم شکافی است که



عکس: Anadolu

ژابوتینسکی که بود؟

زوی ژابوتینسکی یکی از رهبران جنبش صهیونیسم، نویسنده، شاعر، سرباز و مؤسس سازمان دفاع از یهود در اودسا بود. او به همراه جوزف ترامپلدور لژیون یهودی، ارتش بریتانیا را در جنگ جهانی اول ایجاد کرد و بعداً مؤسس چندین سازمان یهودی دیگر نظیر بیتار، هاتزهر و ایرگون شد.

ژابوتینسکی در اودسا در امپراطوری روسیه به دنیا آمد. خانواده او یهودیانی بودند که در تلاش برای حل شدن در بین مسیحیان بودند. ژابوتینسکی در یک خانواده طبقه متوسط یهودی بزرگ شد و به مدرسه روسی رفت. با اینکه او در کودکی عبری یاد گرفت، اما در خاطرات خود نوشت که بزرگ شدن او جدا از دین و سنت یهودی بوده است. در سال ۱۸۹۶ او شروع به نوشتن مطالب برای یکی از بزرگترین روزنامه‌های اودسا به نام دفترچه اودسا کرد. او مقالات خود را به نام مستعار آلتالما می‌نوشت. ژابوتینسکی از دانشگاه رم در رشته وکالت فارغ‌التحصیل شد و در بازگشت به روسیه به صنف وکالت وارد شد. قبل از حمله به یهودیان در سال ۱۹۰۳، ژابوتینسکی به جنبش صهیونیسم ملحق شد و به خاطر توانایی سخنرانی و رهبری مورد توجه قرار گرفت. به دلیل حمله‌های پیاپی به یهودیان، او تصمیم گرفت که یک گروه شبه‌نظامی یهودی ایجاد کند که در

اعلام می‌کرد که هیچ حقی برای فلسطینی‌ها برای تشکیل یک کشور داده نشده است.

ایهود باراک نیز مواضع سختی در قبال فلسطینی‌ها اتخاذ کرد. هرچند قبل از سال ۱۹۹۹، یعنی سالی که او به نخست‌وزیری اسرائیل رسید، لحن متفاوتی نسبت به فلسطینی‌ها داشت. ایهود باراک در سال ۱۹۹۳، به‌عنوان رئیس ستاد ارتش اسرائیل با توافقنامه اول اسلو مخالفت کرد. در آن توافقنامه اصول کلی صلح بین اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین اعلام شده بود. علاوه بر این، باراک، از رای‌داند به توافقنامه دوم اسلو که در سال ۱۹۹۵ یک چارچوب

برابر حمله به یهودیان از آن‌ها محافظت کند و به خاطر این اعمال در بین یهودیان روسیه بسیار بحث‌برانگیز بود. در این زمان او شروع به یادگیری عبری مدرن کرد و نام عبری زویو به معنی گرگ را برای خود انتخاب نمود. او شروع به مسلح کردن یهودیان و تدریس تیراندازی به آنان نمود. در سال ۱۹۰۳ ژابوتینسکی به‌عنوان نماینده روسیه در ششمین کنگره صهیونیسم در باسل سوئیس حضور یافت. بعد از مرگ تنودور هرترزل در سال ۱۹۰۴ او رهبر یهودیان صهیونیسم جناح راست شد، سپس به روسیه بازگشت و اولین روزنامه صهیونیستی به نام زندگی یهودی را چاپ کرد. در این روزنامه او مقالات شدیدی علیه حل شدن در بین مسیحیان نوشت. در سال ۱۹۰۶ او سخنران اصلی کنفرانس روسی صهیونیسم در هلسنکی شد. در سال ۱۹۰۹ او مقالات تندی علیه رهبران یهودی که در جشن‌های تقدیر نویسنده روسی نیکلای گوگول شرکت کرده بودند نوشت و آن‌ها را به دلیل حضور در این جشن‌ها به دلیل یهودستیزی گوگول مقصر دانست. در زمان جنگ جهانی اول او ایده ایجاد یک لژیون یهودی را که به همراه انگلیسی‌ها علیه عثمانی در فلسطین جنگ کند، داشت. او به همراه جوزف ترامپلدور گروه صهیون را ایجاد کرد که از مردان یهودی اکثراروسی تشکیل شده بود. در سال ۱۹۱۷ دولت انگلستان با تشکیل رسمی لژیون یهودی موافقت کرد؛ ولیکن در سال ۱۹۱۹ انگلستان دستور متوقف شدن لژیون یهودی را داد و زویو از این کار به دولت انگلستان شکایت کرد؛ ولیکن در این سال لژیون یهودی متوقف شد و از ارتش بازنشسته شد. بعد از اینکه او از ارتش انگلستان کنار گذاشته شد به تدریس جنگ به یهودیان پرداخت. در سال ۱۹۲۰ ژابوتینسکی